

مبانی مشروعیت تحریم های اقتصادی در نظام بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

دکتر علیرضا انصاری مہیاری^۱ محمد آذری

چکیده

تحریم های اقتصادی در دهه های اخیر به یکی از رایج ترین ابزارهای اعمال فشار در روابط بین الملل تبدیل شده اند. این ابزار، از یک سو به عنوان جایگزینی کم هزینه تر از توسل به زور و راهی برای وادار سازی دولت ها به تغییر رفتار معرفی می شود و از سوی دیگر به دلیل آثار گسترده بر جمعیت غیر نظامی، تداخل با حقوق بشر و نیز ابهام در مبانی حقوقی و اخلاقی، همواره محل مناقشه بوده است. مشروعیت تحریم اقتصادی در نظام بین الملل در چهار سطح به چالش کشیده می شود: مشروعیت منشأ، مشروعیت هدف، مشروعیت شیوه اجرا و مشروعیت پیامدها. این مقاله با رویکرد حقوقی و میان رشته ای، مبانی مشروعیت تحریم های اقتصادی را از منظر حقوق منشور ملل متحد، نظریه مسئولیت بین المللی دولت ها و قواعد اقدام متقابل، اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، و نیز ملاحظات نهادی و دادرسی منصفانه بررسی می کند. در این چارچوب، تمایز میان تحریم های جمعی شورای امنیت و تحریم های یکجانبه یا فرامرزی برجسته می شود و معیارهایی برای سنجش مشروعیت ارائه می گردد؛ معیارهایی که شامل صلاحیت مرجع وضع تحریم، تناسب و ضرورت، احترام به تعهدات عام الشمول، تضمین حداقل های انسانی، شفافیت و امکان اعتراض و بازنگری است. نتیجه کلی پژوهش آن است که مشروعیت تحریم ها امری صفر و یک نیست و بدون رعایت همزمان عناصر حقوقی و هنجاری، تحریم ها به سادگی از ابزار «اجرای نظم» به ابزار «تخریب نظم» تبدیل می شوند.

واژگان کلیدی: مشروعیت، تحریم اقتصادی، شورای امنیت، اقدام متقابل، حقوق بشر، مسئولیت بین المللی، تناسب، اقدامات قهری یکجانبه

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

تحریم اقتصادی به‌طور کلی به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مالی، تجاری، بانکی، سرمایه‌گذاری، بیمه‌ای، حمل‌ونقل و فناوری گفته می‌شود که با هدف اثرگذاری بر تصمیمات یک دولت، گروه، یا اشخاص معین اعمال می‌گردد. از منظر تاریخی، تحریم‌ها پیش از شکل‌گیری سازمان ملل متحد نیز وجود داشته‌اند، اما پس از جنگ سرد، به‌ویژه در قالب تصمیمات شورای امنیت و نیز در قالب سیاست‌های تحریمی دولت‌های قدرتمند و سازمان‌های منطقه‌ای، کاربردی بسیار گسترده یافته‌اند. این گسترش سبب شده است که پرسش از «مشروعیت» تحریم‌ها از یک بحث صرفاً سیاسی به مسئله‌ای حقوقی، اخلاقی و حتی نهادی تبدیل شود.

مشروعیت، مفهومی چندلایه است. در یک معنای حداقلی، مشروعیت می‌تواند به «قانونی بودن» نزدیک شود، یعنی انطباق با قواعد حقوق بین‌الملل. در معنایی گسترده‌تر، مشروعیت به پذیرش اجتماعی و اخلاقی و توجیه‌هنجاری نیز اشاره دارد؛ یعنی اینکه حتی اگر اقدامی از منظر حقوقی قابل دفاع باشد، ممکن است به واسطه آثار انسانی، شیوه اجرا، یا استانداردهای دوگانه، از حیث هنجاری ناموجه تلقی شود. به همین دلیل، در بحث تحریم اقتصادی، جدایی کامل حقوق و اخلاق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا تحریم‌ها مستقیماً در حوزه رفاه، سلامت، امنیت غذایی، و کرامت انسان اثر می‌گذارند و همین واقعیت، آزمون مشروعیت را از سطح دولت‌ها به سطح انسان‌ها منتقل می‌کند.

افزون بر این، تحریم‌ها در نظام بین‌الملل در دو چارچوب عمده رخ می‌دهند: تحریم‌های جمعی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد و تحریم‌های یکجانبه یا چندجانبه خارج از شورای



امنیت. چارچوب نخست از نظر نهادی واجد پشتوانه اقتدار سازمان ملل است، اما همین اقتدار نیز با محدودیت‌های حقوقی و ارزش‌های بنیادین مواجه است. چارچوب دوم، به دلیل فقدان مجوز سازمان ملل، پرسش‌های بیشتری درباره مبنای صلاحیت، رابطه با اصل عدم مداخله، ممنوعیت توسل به زور، قواعد تجارت و سرمایه‌گذاری و نیز تعهدات حقوق بشری ایجاد می‌کند.

هدف این مقاله آن است که با حفظ تمرکز بر «مبنای مشروعیت»، به جای ورود به تحلیل‌های موردی گسترده، یک چارچوب تحلیلی برای سنجش مشروعیت تحریم‌های اقتصادی در نظام بین‌الملل ارائه کند. این چارچوب، هم به مبنای حقوقی و هم به معیارهای هنجاری توجه دارد و تلاش می‌کند نشان دهد که مشروعیت تحریم‌ها به مجموعه‌ای از شروط وابسته است که نقض هر یک می‌تواند کل سازه مشروعیت را فرسوده سازد.

بخش اول: مفهوم مشروعیت و جایگاه آن در بحث تحریم اقتصادی

مشروعیت در حقوق و روابط بین‌الملل معمولاً در پیوند با «اقتدار» و «پذیرش» فهم می‌شود. اقتدار یعنی اینکه یک نهاد یا دولت در چارچوب قواعد پذیرفته شده حق اتخاذ تصمیمی را دارد. پذیرش یعنی اینکه دیگران، حتی اگر متضرر شوند، آن تصمیم را در سطحی از هنجارهای مشترک قابل توجیه بدانند. از این منظر، تحریم اقتصادی زمانی مشروع تلقی می‌شود که هم واجد مبنای صلاحیتی باشد و هم از حیث هدف و شیوه اجرا با ارزش‌های بنیادی نظام بین‌الملل ناسازگار نباشد.



در اینجا باید میان سه مفهوم تمایز گذاشت: مشروعیت، قانونی بودن و کارآمدی. قانونی بودن به انطباق با قواعد حقوقی اشاره دارد. کارآمدی به میزان موفقیت در تحقق هدف. مشروعیت می‌تواند از هر دو متأثر شود، اما با هیچ‌یک هم‌معنا نیست. ممکن است تحریمی از نظر حقوقی در ظاهر مجاز باشد، اما به دلیل پیامدهای شدید انسانی یا نبود سازوکار اعتراض، مشروعیت هنجاری خود را از دست بدهد. همچنین ممکن است تحریمی کارآمد باشد اما نامشروع؛ زیرا کارآمدی نمی‌تواند نقض قواعد آمره یا حقوق بنیادین را توجیه کند.

برای تحلیل دقیق‌تر، می‌توان مشروعیت تحریم را در چهار سطح ارزیابی کرد:

مشروعیت منشأ یعنی اینکه چه مرجعی تحریم را وضع کرده و آیا از نظر حقوقی صلاحیت دارد یا خیر

مشروعیت هدف یعنی اینکه هدف تحریم چیست و آیا هدف با قواعد بنیادین مانند منع توسل به زور، منع مداخله، حق تعیین سرنوشت یا حمایت از حقوق بشر سازگار است یا خیر

مشروعیت ابزار یعنی اینکه طراحی و اجرای تحریم چگونه است، آیا تناسب و ضرورت رعایت شده، آیا معافیت‌های مؤثر وجود دارد و آیا تحریم به مجازات جمعی نزدیک می‌شود یا خیر.

مشروعیت پیامد یعنی اینکه آثار قابل پیش‌بینی تحریم چه بوده و آیا تحریم‌کننده سازوکارهای پیشگیری و جبران را در نظر گرفته است یا خیر

این چهار سطح به هم وابسته‌اند. تحریمی که از سوی شورای امنیت وضع می‌شود، ممکن است در سطح منشأ مشروع‌تر باشد، اما در سطح ابزار یا پیامد با ایرادهای جدی مواجه گردد. در



مقابل، تحریم یکجانبه ممکن است در سطح منشأ محل تردید باشد، اما اگر واقعاً در قالب اقدام متقابل محدود، متناسب و با رعایت حقوق بشر اعمال شود، می تواند از برخی عناصر مشروعیت برخوردار گردد. بنابراین، تحلیل صفر و یک به جای روشن کردن مسئله، آن را به داوری سیاسی تقلیل می دهد.

بخش دوم: مبنای منشوری تحریم های اقتصادی و حدود اختیارات شورای امنیت

در نظام ملل متحد، مهم ترین مبنای حقوقی تحریم اقتصادی، فصل هفتم منشور است. شورای امنیت می تواند در صورت احراز تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز، اقدامات غیرنظامی را برای اجرای تصمیمات خود اتخاذ کند. تحریم های اقتصادی، محدودیت های مالی، و قطع روابط اقتصادی از مصادیق رایج این اقدامات به شمار می رود. در این چارچوب، تحریم های شورای امنیت از حیث «پشتوانه نهادی» واجد موقعیت ممتاز هستند، زیرا تصمیمات شورای امنیت برای اعضا الزام آور تلقی می شود و از نظر نظری، بازتاب اراده جمعی جامعه بین المللی برای حفظ صلح و امنیت است. با این حال، مشروعیت منشوری به معنای نبود محدودیت نیست. اختیارات شورای امنیت گرچه گسترده است، اما مطلق نیست. چند دسته محدودیت قابل طرح است:

۱- محدودیت های متنی و هدف محور منشور

شورای امنیت باید در راستای حفظ صلح و امنیت بین المللی عمل کند. اگر تحریم ها به گونه ای طراحی شوند که عملاً به مجازات جمعی، تغییر رژیم سیاسی، یا اهدافی فراتر از مأموریت



صلح و امنیت منجر شود، توجیه منشوری آن آسیب می‌بیند. از سوی دیگر، تشخیص «تهدید علیه صلح» در عمل سیاسی است، اما این تشخیص نیز نمی‌تواند کاملاً از نظارت هنجاری برکنار بماند.

۲- محدودیت‌های ناشی از قواعد آمره و تعهدات بنیادین

پذیرش اینکه شورای امنیت می‌تواند هر اقدامی را صرفاً با برچسب فصل هفتم مشروع کند، با منطق حقوق بین‌الملل ناسازگار است. اگر تصمیمی به نقض آشکار قواعد آمره یا تعهدات غیرقابل تعلیق منجر شود، مشروعیت حقوقی آن دچار بحران می‌گردد. این بحث در ادبیات با عنوان رابطه میان اختیارات شورای امنیت و هنجارهای بنیادین مطرح شده است و یکی از نقاط حساس آن، نسبت تحریم‌ها با حقوق بشر و تضمین‌های دادرسی منصفانه است.

۳- محدودیت‌های رویه‌ای و دادرسی منصفانه

تحریم‌های هدفمند به‌ویژه زمانی که اشخاص و نهادها را در فهرست‌های تحریمی قرار می‌دهند، به مسئله حق دفاع، حق اطلاع از دلایل، و امکان اعتراض و بازنگری گره می‌خورند. تجربه تحریم‌های ضدتروریسم نشان داد که فقدان فرآیند منصفانه می‌تواند مشروعیت تصمیمات را در سطح داخلی و منطقه‌ای تضعیف کند و حتی سبب مداخله دادگاه‌ها در کنترل اجرای این تصمیمات شود. از همین رو، تحول از تحریم‌های جامع به سمت تحریم‌های هدفمند و نیز ایجاد برخی سازوکارهای بازنگری و میانجی‌گری را می‌توان واکنشی به چالش مشروعیت دانست. اما این تحول به تنهایی کافی نیست. زیرا حتی تحریم‌های هدفمند نیز در



بستر اقتصاد جهانی می‌توانند آثار گسترده ثانویه داشته باشند و اگر معیارهای شفافیت، امکان اعتراض، و ارزیابی انسانی رعایت نشود، بحران مشروعیت پابرجا می‌ماند.

بخش سوم: تحریم‌های یکجانبه، اقدام متقابل و شروط مشروعیت در حقوق مسئولیت دولتها

تحریم‌های اقتصادی خارج از شورای امنیت، معمولاً با عناوینی چون تحریم یکجانبه، اقدامات محدودکننده، یا اقدامات قهری اقتصادی شناخته می‌شوند. مسئله اصلی در این نوع تحریم‌ها این است که مبنای حقوقی آنها چیست. در ادبیات حقوقی، مهم‌ترین مسیر توجیه، استناد به مفهوم اقدام متقابل است. اقدام متقابل به طور خلاصه به اقداماتی گفته می‌شود که دولت زیان‌دیده در واکنش به نقض تعهد بین‌المللی از سوی دولت ناقض انجام می‌دهد تا آن دولت را به رعایت تعهد وادار کند. اما اقدام متقابل در حقوق بین‌الملل دارای شروط سخت و قیود متعدد است و نمی‌توان هر تحریمی را به‌سادگی ذیل آن قرار داد.

نخستین شرط، وجود نقض قبلی تعهد بین‌المللی از سوی دولت هدف است. صرف اختلاف سیاسی یا نارضایتی از سیاست داخلی یا خارجی یک دولت، برای توجیه اقدام متقابل کافی نیست. شرط دوم، رابطه میان دولت زیان‌دیده و نقض است؛ یعنی اصل بر این است که اقدام متقابل باید توسط دولت متضرر اعمال شود. بحث اقدام متقابل دولت‌های ثالث همچنان محل مناقشه است و پذیرش گسترده‌ای ندارد. شرط سوم، ضرورت و تناسب است. تحریم باید متناسب با نقض باشد و از حد لازم برای وادارسازی فراتر نرود. شرط چهارم، موقتی بودن و قابلیت بازگشت است؛ یعنی تحریم باید با تحقق هدف حقوقی، متوقف شود و ماهیت تنبیهی



دائمی پیدا نکند. شرط پنجم، رعایت تعهدات غیرقابل تعلیق است؛ اقدام متقابل نباید به نقض تعهدات بنیادی، قواعد آمره، یا حقوق بنیادین انسان‌ها بینجامد.

به علاوه، اقدام متقابل معمولاً مستلزم رعایت الزامات رویه‌ای است: اعلام نقض، درخواست توقف و جبران، و اعطای فرصت مذاکره. تحریم‌هایی که بدون طی چنین فرآیندهایی و صرفاً با تصمیم داخلی دولت تحریم‌کننده اعمال می‌شوند، از حیث مشروعیت حقوقی آسیب‌پذیرترند.

یک پیچیدگی مهم دیگر، تحریم‌های ثانویه و آثار فرامرزی است. زمانی که یک دولت، علاوه بر منع اتباع خود، اشخاص و شرکت‌های ثالث را نیز با تهدید مجازات و محرومیت از بازار خود وادار می‌کند که با دولت هدف تعامل نکنند، مسئله صلاحیت و تعارض با اصل عدم مداخله پرننگ می‌شود. این گونه تحریم‌ها اغلب با این ادعا توجیه می‌شوند که دولت تحریم‌کننده صرفاً در قلمرو خود مقررات وضع می‌کند، اما در عمل، اثر آنها بر آزادی تجارت و تصمیم‌گیری اشخاص در سایر کشورها آشکار است. از همین رو، مشروعیت تحریم‌های فرامرزی در مقایسه با تحریم‌های محدود به قلمرو داخلی، محل تردید بیشتری است.

در جمع‌بندی این بخش، می‌توان گفت که اگر تحریم‌های یکجانبه خارج از شورای امنیت بخواهند در چارچوب حقوقی قابل دفاع قرار گیرند، باید به مدل «اقدام متقابل محدود، متناسب، انسانی و قابل بازگشت» نزدیک شوند. هرچه تحریم‌ها از این مدل فاصله بگیرند و به ابزار فشار فراگیر، تنبیه اقتصادی طولانی، یا اجبار فرامرزی تبدیل شوند، مبانی مشروعیت آنها سست‌تر می‌شود.



بخش چهارم: حقوق بشر، پیامدهای انسانی و مرز میان فشار مشروع و مجازات جمعی

هر ارزیابی جدی از مشروعیت تحریم اقتصادی ناگزیر از مواجهه با حقوق بشر است، زیرا تحریم‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثر می‌گذارند. حق سلامت، حق غذا، حق آموزش، حق کار، و حق برخورداری از حداقل استاندارد زندگی، همگی می‌توانند در شرایط تحریم دچار تضعیف شوند. حتی اگر هدف تحریم تغییر رفتار دولت باشد، ابزار تحریم در عمل بر جامعه اثر می‌گذارد و همین امر مسئله «انتقال هزینه از دولت به مردم» را پدید می‌آورد.

در ادبیات حقوق بشری، یکی از حساس‌ترین مباحث، مرز میان فشار مشروع و مجازات جمعی است. مجازات جمعی به این معناست که جمعیت به دلیل رفتار دولت یا گروهی خاص، متحمل تنبیه شوند، بدون آنکه خود نقش مستقیم در رفتار مورد ادعا داشته باشند. تحریم‌های جامع که کل اقتصاد یک کشور را هدف می‌گیرند، بیش از هر نوع دیگری در معرض این انتقاد قرار دارند. هرچند تحریم‌کنندگان معمولاً با ایجاد معافیت‌های بشردوستانه یا کانال‌های محدود واردات دارو و غذا، در پی کاهش این انتقادند، اما تجربه نشان داده است که معافیت‌های روی کاغذ بدون سازوکار اجرایی مؤثر، به‌ویژه در نظام بانکی و بیمه‌ای، کافی نیست. افزون بر حقوق اقتصادی و اجتماعی، تحریم‌های هدفمند نیز با حقوق مدنی و سیاسی مرتبط می‌شوند. قرار گرفتن افراد در فهرست‌های تحریمی می‌تواند حق مالکیت، آزادی رفت و آمد، حیثیت و حق دسترسی به دادخواهی مؤثر را تحت تأثیر قرار دهد. اگر فرآیند فهرست‌گذاری شفاف نباشد و امکان اعتراض واقعی وجود نداشته باشد، تحریم هدفمند نیز از



حیث مشروعیت آسیب می‌بیند. برای پرهیز از نقض حقوق بشر، چند معیار کلیدی قابل طرح است:

ارزیابی اثرات انسانی پیش از اعمال تحریم و در طول اجرای آن

تحریم‌کننده باید پیامدهای قابل پیش‌بینی را بررسی کند و در صورت مشاهده آسیب جدی به حداقل‌های انسانی، طراحی تحریم را اصلاح کند.

ایجاد معافیت‌های بشردوستانه مؤثر

معافیت باید به سازوکارهای بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل متصل باشد و صرف اعلام کلی کافی نیست. همچنین باید از «بیش‌پرهیزی» بخش خصوصی کاسته شود.

تفکیک دقیق میان اهداف سیاسی و نیازهای انسانی

در عمل، وقتی واردات دارو، تجهیزات پزشکی، اقلام غذایی پایه یا زیرساخت‌های حیاتی دچار اختلال می‌شود، تحریم از فشار سیاسی به تهدید علیه کرامت انسانی تغییر ماهیت می‌دهد.

مسئولیت‌پذیری در قبال آثار

مشروعیت زمانی تقویت می‌شود که تحریم‌کنندگان مکانیسم‌های جبران، کمک‌رسانی، یا حداقل کاهش آسیب را به طور فعال دنبال کنند، نه اینکه بار را صرفاً بر دوش نهادهای بشردوستانه بگذارند.



در نهایت، باید تأکید کرد که حقوق بشر نه یک ملاحظه فرعی، بلکه یکی از ستون‌های اصلی مشروعیت است. نظام بین‌الملل اگر بخواهد تحریم را به عنوان ابزار حفظ نظم به رسمیت بشناسد، باید همزمان تضمین کند که این ابزار خود به نقض گسترده نظم هنجاری و حقوق بنیادین تبدیل نمی‌شود.

بخش پنجم: معیارهای نهادی مشروعیت، شفافیت، دادرسی منصفانه و امکان بازنگری

در کنار مبانی حقوقی و ملاحظات حقوق بشری، مشروعیت تحریم‌ها به کیفیت نهادی تصمیم‌گیری و اجرای آنها نیز وابسته است. این موضوع به‌ویژه در تحریم‌های هدفمند و فهرست‌گذاری‌ها برجسته است، اما در تحریم‌های جامع نیز نقش دارد.

شفافیت

هر چه مبانی تصمیم‌گیری، دامنه تحریم، معیارهای اعمال و شرایط رفع تحریم روشن‌تر باشد، مشروعیت افزایش می‌یابد. تحریم‌هایی که با زبان مبهم و اهداف متغیر اجرا می‌شوند، زمینه سوءاستفاده سیاسی و بی‌اعتمادی را فراهم می‌کنند.

دادرسی منصفانه

در فهرست‌گذاری‌های تحریمی، حق اطلاع از دلیل، حق شنیده شدن و حق دسترسی به مرجع مستقل برای اعتراض، از عناصر کلیدی مشروعیت است. نبود این عناصر، تحریم را به ابزار «مجازات اداری بدون دادگاه» نزدیک می‌کند.



بازنگری دوره‌ای و خروج‌پذیری

تحریم باید مسیر خروج داشته باشد. اگر معیارهای رفع تحریم مبهم باشد یا رفع آن صرفاً به اراده سیاسی تحریم‌کننده وابسته شود، تحریم ماهیت تنبیهی پیدا می‌کند و مشروعیت آن کاهش می‌یابد. بازنگری دوره‌ای می‌تواند نشان دهد که تحریم همچنان ضروری و متناسب است یا خیر.

پاسخگویی و نظارت

وجود گزارش‌دهی منظم، امکان ارزیابی مستقل اثرات، و نظارت نهادی، به‌ویژه در سطح سازمان ملل یا سازمان‌های منطقه‌ای، نقش مهمی در مشروعیت دارد. تصمیمی که اثرات انسانی و اقتصادی گسترده دارد، بدون مکانیسم پاسخگویی، در نهایت به بحران اعتماد منجر می‌شود. در تجربه‌های جهانی، بخشی از اصلاحات در رژیم تحریم‌ها ناشی از همین دغدغه نهادی بوده است: اینکه تحریم‌ها باید از وضعیت «تصمیم صرفاً سیاسی» به وضعیت «تصمیم با استانداردهای حقوقی و رویه‌ای» نزدیک شوند. بدون این تحول، حتی تحریم‌هایی که هدفشان قابل دفاع است، در اجرا با چالش مشروعیت مواجه می‌شوند.

بخش ششم: جمع‌بندی تحلیلی و چارچوب پیشنهادی برای سنجش مشروعیت تحریم‌های اقتصادی

بر اساس مباحث پیش‌گفته، می‌توان یک چارچوب عملی برای سنجش مشروعیت تحریم‌های اقتصادی ارائه کرد که از چهار پرسش کلیدی تشکیل می‌شود و هر پرسش مجموعه‌ای از معیارها را در بر دارد.



پرسش مربوط به منشأ

تحریم توسط شورای امنیت وضع شده یا خارج از آن

اگر خارج از شورای امنیت است، آیا در قالب اقدام متقابل قابل توجیه است

آیا تحریم دارای آثار فرامرزی و اجبار ثانویه است و اگر هست، مبنای صلاحیت آن چیست

پرسش مربوط به هدف

آیا هدف با حفظ صلح و امنیت، حمایت از حقوق بشر یا اجرای تعهدات بین‌المللی مرتبط است

آیا هدف پنهان یا غیرقابل اعلام مانند تضعیف ساختاری اقتصاد یا تغییر رژیم است

آیا تحریم با اصل عدم مداخله و حق تعیین سرنوشت تعارض پیدا می‌کند

پرسش مربوط به ابزار

آیا تحریم ضرورت دارد یا ابزارهای کم‌ضررتر در دسترس است

آیا تحریم متناسب است و از حد لازم فراتر نمی‌رود

آیا معافیت‌های بشردوستانه مؤثر و قابل اجرا وجود دارد

آیا تحریم به مجازات جمعی نزدیک می‌شود

پرسش مربوط به پیامد و فرآیند



آیا اثرات انسانی پیش‌بینی و پایش می‌شود

آیا امکان اعتراض، بازنگری و رفع تحریم روشن است

آیا شفافیت و پاسخگویی وجود دارد

آیا تحریم‌کننده در قبال آثار ناخواسته مسئولیت‌پذیر است

این چارچوب نشان می‌دهد که مشروعیت تحریم‌ها تنها با اتکا به یک مبنا مانند فصل هفتم یا اقدام متقابل به دست نمی‌آید، بلکه نیازمند سازگاری همزمان با اصول هنجاری و استانداردهای اجرایی است. چنین رویکردی می‌تواند از دوگانه‌سازی‌های افراطی جلوگیری کند و امکان گفت‌وگوی حقوقی دقیق‌تر را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی در نظام بین‌الملل در مرز باریکی میان «اجرای جمعی نظم» و «اعمال یکجانبه قدرت» حرکت می‌کنند. مشروعیت این ابزار نه تنها به مبنای حقوقی، بلکه به نحوه طراحی، اجرای انسانی، و سازوکارهای نهادی پاسخگویی وابسته است. تحریم‌های شورای امنیت از حیث منشأ، امکان مشروعیت بیشتری دارند، اما حتی آنها نیز باید با قواعد بنیادین و استانداردهای دادرسی منصفانه و ملاحظات حقوق بشری هماهنگ شوند. تحریم‌های یکجانبه اگر بخواهند در چارچوب حقوقی قرار گیرند، باید شروط اقدام متقابل را رعایت کنند و از آثار فرامرزی و مجازات‌گونه فاصله بگیرند.

درس کلیدی آن است که مشروعیت تحریم اقتصادی یک مفهوم چندسطحی است و بدون رعایت تناسب، ضرورت، حداقل‌های انسانی، شفافیت و امکان بازنگری، تحریم‌ها به جای



تغییر رفتار دولت‌ها، به فرسایش اعتماد به حقوق بین‌الملل و تضعیف نظم هنجاری منجر می‌شوند. بنابراین، آینده مشروعیت تحریم‌ها در گرو اصلاح نهادی، استانداردسازی معافیت‌های بشردوستانه، و توسعه معیارهای مشترک برای ارزیابی اثرات انسانی است؛ معیارهایی که بتوانند ابزار تحریم را از منطق صرف قدرت، به منطق مسئولیت و قانون نزدیک کنند.



منابع و مأخذ

۱. علایی، حسین؛ زارعی، رضا. «بررسی تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل: با تأکید بر اسناد حقوق بشری». مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال یازدهم، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۲۶، صفحات ۷۵ تا ۹۶.
۲. راعی دهقی، مسعود. «اقدام متقابل و حقوق بین‌الملل». معرفت، سال بیستم، شهریور ۱۳۹۰، شماره ۶ (پیاپی ۱۶۵)، ویژه حقوق.
۳. حیدری، علی. «تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت و حقوق بنیادین بشر». مقاله کنفرانسی، چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی، ۱۴۰۲.
۴. بزرگمهر وفا، ابوالحسن. تحریم‌های اقتصادی و حقوق بنیادین بشر. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش، ویرایش جدید، چاپ‌های متعدد.
۶. *Charter of the United Nations. San Francisco, ۱۹۴۵.*
۷. *International Law Commission. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries. Adopted ۲۰۰۱, annexed to UN General Assembly resolution ۵۶/۸۳ (۱۲ December ۲۰۰۱).*
۸. *Court of Justice of the European Union. Yassin Abdullah Kadi and Al Barakaat International Foundation v Council of the European Union and Commission of the European Communities, Joined Cases C-۴۰۲/۰۵ P and C-۴۱۵/۰۵ P, Judgment of ۳ September ۲۰۰۸, European Court Reports ۲۰۰۸ I-۶۳۵۱, ECLI:EU:C:۲۰۰۸:۴۶۱.*



۹. International Court of Justice. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Judgment of ۲۷ June ۱۹۸۶, General List No. ۷۰.
۱۰. van den Herik, Larissa (ed.). *Research Handbook on UN Sanctions and International Law*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing, ۲۰۱۷.
۱۱. Gordon, Joy. *Invisible War: The United States and the Iraq Sanctions*. Cambridge, MA: Harvard University Press, ۲۰۱۰.
۱۲. Hufbauer, Gary Clyde; Schott, Jeffrey J.; Elliott, Kimberly Ann; Oegg, Barbara. *Economic Sanctions Reconsidered*. ۳rd ed., expanded. Washington, DC: Peterson Institute for International Economics, ۲۰۰۷.
۱۳. Crawford, James. *Brownlie's Principles of Public International Law*. ۹th ed. Oxford: Oxford University Press, ۲۰۱۹.
۱۴. Shaw, Malcolm N. *International Law*. ۹th ed. Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۲۱.
۱۵. Doxey, Margaret P. *International Sanctions in Contemporary Perspective*. ۲nd ed. London: Palgrave Macmillan, ۲۰۱۶.